

مقامات مختص تفتیش در قانون آیین دادرسی کیفری اردن

سامر محمداحمد القضاة*

چکیده:

امروزه حقوق و آزادیهای فردی و از آن جمله حق بهره‌مندی از مسکن و اصل مصونیت اسرار شخصی از جمله حقوق و آزادیهای مورد حمایت دولتهاست و در صورت تعرض به آنها می‌توان به مقامات صالح قضائی مراجعه کرد. ولی این حقوق و آزادیها در برخی مواقع با نظم عمومی در تعارض قرار می‌گیرد. دولتها برای حفظ نظم عمومی و امنیت جامعه، تحصیل دلیل و سایر اقدامات لازم را در چهارچوب قانونی مقرر کرده‌اند. به همین دلیل مأموران ذی صلاح در برخی موارد حقوق و آزادیهای مشروع فردی را طبق قانون نادیده می‌گیرند. در این شرایط، آزادیهای فردی با خطر جدی استفاده بی‌رویه اشخاص از جمله سازمانهای عمومی از سیستمهای انفورماتیک و جمع‌آوری اطلاعات روبه‌رو شده که زندگی خصوصی افراد را خواسته و ناخواسته با مشکلات حادی روبه‌رو ساخته است. از این رو لازم است که دولتها برای حفظ امنیت فردی متناسب با توسعه روابط انسانی و پیشرفت فناوری قوانین جدیدی وضع کنند. این مقاله موضوع تفتیش و بازرسی را در قانون آیین دادرسی کیفری اردن از این منظر بررسی کرده است.

واژگان کلیدی:

حقوق و آزادیهای فردی، حق آزادی مسکن، اسرار شخصی، مقامات تفتیش، ضابطین دادگستری، آیین دادرسی کیفری اردن، جرم مشهود، تفتیش.

* عضو هیئت علمی دانشگاه ملک عبدالعزیز عربستان.

مقدمه

از مهم‌ترین حقوقی که قوانین اساسی و اسناد حقوق بشر بر آن تأکید می‌کنند همانا آزادیهای فردی است و نظر به اهمیت آزادی در زندگی افراد و پیشرفت جامعه، این اصل از حمایت قانونی برخوردار شده و حکومتها تضمینهایی را برای حفظ آن در مقابل تجاوز وضع کرده‌اند و جز در موارد قانونی به کسی اجازه تعرض به آن را نمی‌دهند.

بازرسی از اشخاص، منازل، اطلاع از اوراق و مراسلات و ضبط هر آنچه مربوط به جرم است، پرده برانداز اسرار زندگی خصوصی افراد و حرمت منازل آنهاست، لذا قانونگذار در اردن این کار را منوط به رعایت شرایط قانونی خاصی کرده است و گرنه این اعمال بی اعتبار و باطل و غیرقانونی به شمار خواهند رفت، و بر آنها آثاری مترتب نخواهد بود.

قانون آیین دادرسی کیفری اردن بر اهمیت بازرسی و تفتیش تأکید کرده آن را جزئی از تحقیقات مقدماتی، که اجازه آن جز پس از وقوع جرم (جنایت یا جنحه) صادر نمی‌شود، می‌داند و در مورد خلافاها به دلیل سادگی و کم‌اهمیت بودن این جرائم تفتیش را جایز نمی‌شمارد. همچنین مطابق این قانون وجود دلایل و امارات قوی شرط لازم برای امکان تفتیش و بازرسی از اشخاص و منازل آن هم تنها در جهت رسیدن به حقیقت می‌باشد.

هدف از تفتیش و بازرسی، به دست آوردن اشیای مربوط به جرم است که به یک شخص معین نسبت داده شود و یا وجود آن در یک منزل معین به اثبات برسد تا اینکه انجام بازرسی از فرد یا منزلی دیگر اشتباهاً صورت نگیرد.

قوانین اساسی غالب کشورها به بررسی مسئله تفتیش و بازرسی پرداخته‌اند قانون اساسی اردن نیز در ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «منازل حرمت دارند و ورود به آنها جایز نیست جز در موارد مذکور در قانون و با همان کیفیتی که در قانون آمده

است».

قانون آیین دادرسی کیفری اردن چگونگی تفتیش و بازرسی و ضبط اشیای مربوط به جرم را پیش بینی کرده است و عملیات بازرسی و ضبط اشیای مربوط به جرم را اعمالی مرتبط می داند.

شریعت اسلام نیز بر حقوق افراد تأکید کرده و عنایت و توجه خاصی به آنها دارد و احکامی وضع کرده که به علت ارتباط با وجود و ذات انسان متناسب با هر زمان و مکان است. از جمله حق افراد است که با آرامش و امنیت در مساکن خود زندگی کنند و مورد تعرض قرار نگیرند و نیز حق حفظ کرامت آنها و عدم تعرض نسبت به آن را جز با ضرورتی که توجیه آن حمایت جوامع اسلامی و مسلمانان از هرگونه تجاوز به حدود جامعه اسلامی است، برای ایشان محترم شمرده است. در قرآن کریم آمده است: «یا ایها الذین آمنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلّموا علی اهلها، ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون.»^۱

ولی شریعت اسلامی ورود به منازل را مطلقاً منع نکرده و ورود به آنها را برای تحقیق از جرائم مخالف احکام و در موقعی که دلایل کافی برای اتخاذ این تصمیم وجود داشته باشد جایز شمرده است.

۱. ماهیت تفتیش

در این فصل به تعریف لغوی و حقوقی تفتیش و نیز به اهمیت و انواع و اشکال تفتیش و همچنین سبب تفتیش کیفری می پردازیم.

۱-۱. تعریف تفتیش

«تفتیش» در لغت به معنی جست و جو و تحقیق است. در زبان عربی تفتیش از

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌های دیگران پیش از آنکه اجازه ورود بگیرید داخل نشوید و نیز به صاحب خانه سلام کنید؛ این احتیاط و رعایت ادب از سوی شما زیننده است و بر شماست که این پند را به کار ببندید. (آیه ۲۷ از سوره نور)

ریشه «فتش» گرفته شده، وفتش: الفتشُ و التفتیشُ به معنی طلب و البحث (جست و جو) است، و فرقی بین ثلاثی مجرد فتشت الشیء و فتشاً و وباب تفصیل آن فتشه تفتیشاً نیست. [۶:۱۷۵]

در زبان فارسی تفتیش به جست و جو کردن، کاوش کردن، کاویدن، کاوش، بازرسی [۳:۵۹۴]، تفحص کردن، باز رسیدن، باز جستن، واپژوهیدن، نیک جست و جو کردن [۵:۱۱۱۰]، پی گردی، واری [۲:۱۱۹۴]، آزمایش اطلاق می شود. بازجویی درباره جرم را تفتیش گویند، و در گذشته به جای باز پرس و مأموران نظمی و هر مأمور تحقیق کلمه مفتش به کار برده می شد. [۱:۱۳۶۲]

در زبان انگلیسی تفتیش معادل واژه های زیر می باشد:

to look at, observe, to looking in to, to looking carefully [۱۸:۹۵۰]

inspecting,

در زبان فرانسوی نیز واژه های ذیل در معنای تفتیش به کار می رود:

inspection, controle, investigation [۴:۵۴۵]

حقوق دانان جزائی نیز تعریفاتى چند از تفتیش کرده اند و در آنها به اهمیت این امر و مصالحی که هتک حرمت منازل و آزادی افراد در مورد اسرار خویش را توجیه می کنند، پرداخته اند که در ادامه به چند نمونه آنها اشاره می شود:

تفتیش امری است مهم شامل جمع آوری ادله که با تحقیق در مورد دلایل جرم از سوی مقام ۳۳ مخصوص به این کار انجام می گیرد. صرف نظر از آزاده و رضایت فرد یا صاحب مکان مورد نظر، تفتیش عملی است تحقیقی که این مقام در محل خاص یا در مورد خاصی و برای زمین سازی جهت اعمال حق جامعه در مورد مجازات انجام می دهد. [۱۵:۲۹۷ و ۲۹۸]

تفتیش از مهم ترین امور تحقیقات اولیه است که عبارت است از جست و جو کردن حقیقت. بنابراین نتیجه چنین تفتیشی ضبط مواد و اشیای مربوط به جرم

است که به تشخیص مقام صالح قضائی در کشف حقیقت مفید و مؤثر باشد. [۲۲۴ و ۲۲۳: ۱۴]

دیوان عالی مصر تفتیش را این گونه تعریف می کند: «تفتیش منازل و اشخاص که اصولاً شامل تحقیقات می شود، به دستور مقامی از مقامهای صالح برای رسیدگی به آن جرم صورت می گیرد. علاوه بر اینکه باید نسبت دادن آن جرم به فردی مشخص درست باشد و دلایلی برای تعرض به آزادی شخصی متهم و حرمت منزل وی وجود داشته باشد.» [۷۲۲ و ۷۲۱: ۷]

بنابراین تفتیش رامی توان این گونه تعریف کرد: «عملی از اعمال مربوط به تحقیقات اولیه است که مدعی العموم و یا نماینده او و استثنائاً ضابطین دادگستری در هنگام وقوع جنایت یا جنحه (جرائم مشهود) به آن اقدام می کنند و شامل اشخاص و منازل و آنچه در حکم منزل است که محل اختفای اسرار ساکنان می باشد، می شود. هدف از تفتیش، ضبط مواد مربوط به جرم برای رسیدن به حقیقت است.»

۲-۱. انواع تفتیش

۱-۲-۱. تفتیش کیفری

تفتیش کیفری که تعریف آن در مبحث پیش آمد از مهم ترین اعمال تحقیقات اولیه است که به مرجع تحقیق یا نماینده او اجازه اقدامات بعدی رامی دهد و بر طبق احکام قانونی جهت بررسی دلایل جرم در اماکن مسکونی و آنچه در حکم آن است و نسبت به اشخاص و کالاهای آنها و اطلاع از اوراق و کنترل مبادلات پستی و تلگرافی آنها صورت می گیرد. چنین اقداماتی ابتدائاً خروجی آشکاراز اصول حقوق بشر و آزادیهای عمومی و نقض حرمت اماکن مسکونی و آزادی افراد، به شمار می آید که قانون اساسی اردن نیز در ماده ۱۰ خود به آن اشاره دارد و مقرر می دارد: «منازل از حرمت برخوردارند و ورود به آنها جز در شرایطی که در

قانون آمده و با همان کیفیتی که به آن اشاره شده، جایز نمی‌باشد» بنابراین، اصل، عدم هتک حرمت منازل و یا توقیف افراد و تفتیش آنهاست ولی در هنگام وقوع جرم و به خاطر منفعت عمومی و به دلیل حق جامعه در مورد اعمال مجازات و کشف حقیقت اجازه تفتیش داده می‌شود.

تفتیش کیفری موضوعی است که مقاله حاضر به آن می‌پردازد.

۱-۲-۲. تفتیش پیش گیرانه

هدف این نوع تفتیش، پیش‌گیری از وقوع جرم است [۹:۲۰۱] لذا از اقدامات تحقیقاتی به‌شمار نمی‌رود، زیرا هدف از آن جلوگیری و ممانعت از به‌کارگیری اسلحه و ابزاری است که فرد مورد تفتیش و غیر او حمل می‌کند. [۱۵:۴۰۰] این تفتیش همان بازرسی ای است که افراد پلیس در اثنای توقیف اشخاص خطرناک برای امنیت جامعه و دستیابی به مجرمین با هدف جدا کردن اسلحه و ابزار و مواد موجود نزد آنها انجام می‌دهند تا آنها را در برابر مأموران پلیس و یا علیه دیگران به کار نگیرند. از این نمونه است تفتیش افراد قبل از تحویل آنها به بازداشتگاه برای روبه‌رو شدن با مقام تحقیق، برای جلوگیری از انجام اعمال تجاوزگرانه علیه دیگران (به وسیله اسلحه‌ای که در اختیار دارند) و همچنین جلوگیری از فرار آنان.

آن‌گونه که گفته شد، «تفتیشی که افراد پلیس در اثنای تحقیق خود از مرتکبین جرائم و جمع‌آوری دلایلی که حقیقت را روشن می‌کند انجام می‌دهند و مقتضی تعرض به حرمت افراد و منازل نیست، عملی است بلا مانع و استناد به آن به عنوان دلیل در دعوای مورد قبول است.» [۷:۷۲۴]

تفتیش پیش‌گیرانه به هدف ضبط مواد مربوط به جرم در منزل یا نزد فردی که جرمی مرتکب شده نیست. بلکه هدف از آن، خارج کردن وسائل خطرناک از حوزه کنترل فرد قبل از ارتکاب جرم می‌باشد. تعقیب زندانی فراری و

دستگیری و تفتیش وی توسط پلیس، مادام که هدف از آن، پیش‌گیری از استفاده از سلاحی باشد که او به هدف تسهیل فرار و یا آسیب رساندن و تجاوز علیه دیگران به همراه دارد بازرسی تحقیقاتی نیست.

۱-۲-۳. تفتیش اداری

تفتیش اداری تفتیشی است که مقامات اداری دولت بر طبق مقررات و قوانین و به هدف تضمین امنیت و منفعت عمومی و یا مانع شدن از وقوع جرم انجام می‌دهند. [۴۰۰: ۱۵]

این تفتیش به معنایی که از قانون آیین دادرسی کیفری فهمیده می‌شود نیست. زیرا با هدف تحقیق در مورد دلایل معین جرم انجام نمی‌گیرد بلکه هدف از آن نظارت بر حسن انجام امور یا جلوگیری از خطرات معین است و بنابراین، اجتماع شرایط لازم برای تفتیش تحقیقاتی در مورد آن شرط نیست. به عنوان مثال می‌توان به تفتیش کارگران و واردشوندگان و خارج‌شوندگان از برخی مؤسسات مهم و نیز تفتیش گمرکی اشاره کرد.

۱-۳. زمینه‌های تفتیش کیفری

برای اینکه تفتیش عملی مشروع و قانونی باشد باید در بستری خاص صورت گیرد، و انجام آن بدون مهیا بودن این بسترها، عملی غیرقانونی و نقض آشکار آزادی افراد و حرمت منازل آنهاست. در ادامه به توضیح این موارد می‌پردازیم.

۱-۳-۱. وقوع جرم

برای اینکه تفتیش موافق قانون صورت گیرد، باید بعد از وقوع جرم باشد چه این جرم جنایت باشد، چه جنحه [و چه خلاف که در برخی از قوانین مانند قانون عراق آمده]، و نیز وقوع آن با توجه به قرائن و امارات و ادله محکمی که میزان اعتبار آنها را مرجع تحقیق تحت کنترل دادگاه مشخص کند، ثابت شود.

تفتیش برای ضبط و کنترل جرمی که در آینده اتفاق خواهد افتاد جایز نیست. [۱۵:۴۰۲]

در یکی از آراء دیوان عالی آمده: اجازه تفتیش از اقدامات تحقیقی شمرده می‌شود که صدور دستور اجرای آن قانوناً جز با وجود جرم (جنایت و یا جناحه) واقع شده، جایز نیست و ترجیحاً در خصوص فردی به عمل می‌آید که اجازه تفتیش در مورد آن داده شده و بنابراین دستور به تفتیش برای ضبط و کنترل جرمی در آینده درست نیست و لو اینکه شواهد و دلایل جدی بر آن باشد که این جرم در آینده واقع خواهد شد. [۷:۷۳۰]

جرم جزائی، رفتاری غیرقانونی و منحل یک منفعت اساسی است که از اراده‌ای مجرمانه ناشی شده است و قانون برای آن مجازات و یا تدبیری پیش‌گیرانه‌اندیشیده است. [۱۳:۲۸]

قانون آیین دادرسی کیفری اردن نوع جرم (جنایت، جناحه و خلاف) را بیان نمی‌دارد اما مدعی‌العموم به عنوان مقام اجرائی تفتیش به انجام تحقیق در جنایات و جناحه‌ها، و نه خلافها اقدام می‌کند. باید خلاف را از این دایره جدا ساخت. خلاف در قانون اردن و برخی قوانین دیگر سبب انجام تفتیش به شمار نرفته است. زیرا خلاف جرمی ساده و کم‌اهمیت به شمار می‌رود که مستحق هتک حرمت منازل و تعرض به آزادی افراد برای انجام تفتیش نیست. [۱۵:۴۰۳] و این با آنچه قانون آیین دادرسی کیفری مصر مقرر می‌دارد مطابقت دارد. این قانون در ماده ۴۷ بیان می‌دارد: «مأمور ضابط قضائی در حالت شک و تحقیق در مورد یک جنایت یا جناحه می‌تواند منزل متهم را تفتیش کند و اگر امارات قوی مبنی بر وقوع جرم در آن باشد، اشیا و اوراقی را که در کشف حقیقت مؤثر است، ضبط کند.» همچنین ماده ۸۹ قانون آیین دادرسی جزائی سوریه بیان می‌دارد: «قاضی تحقیق مأمور تفتیش است و جز در جنایت و جناحه وارد نمی‌شود، اما خلاف،

مستقیماً به دادگاه ارجاع داده می‌شود و نیازی به تحقیق از سوی قاضی تحقیق نیست.» [۱۵۶ و ۱۵۵:۸]

۱-۳-۲. جمع آوری امارات و دلایل کافی برای نسبت دادن جرم به شخص معین وجود امارات و دلایل بر نسبت جرم واقع شده با فردی معین، شرطی اساسی در انجام تفتیش در مورد آن شخص و یا منزل وی است. فرقی در این نیست که این فرد مباشر جرم یا معاون او باشد.

این شواهد و دلایل ممکن است نتیجه اقدامات ضابطین دادگستری یا عملی مقدم بر اعمال تحقیق باشد. مستند بودن این اعمال و وجود این امارات و دلایل که توجیه کننده تفتیش است و میزان اعتبار آنها را مرجع تحقیق زیر نظر دادگاه مربوط (هنگام ارجاع موضوع به دادگاه مخصوص) مشخص می‌کند. در یکی از آراء دیوان عالی آمده است که: «میزان سندیت تحقیقات و کفایت آن برای صدور دستور تفتیش از مسائل، موضوعی است که انجام آن موکول به مرجع تحقیق زیر نظر دادگاه مربوط می‌باشد.

هرگاه دادگاه به صحت و میزان سندیت استدلالهایی که امر تفتیش بر آن مبتنی است و نیز به کفایت آن برای صادر کردن حکم قانع شود و موافق رأی دادستان باشد، ذکر آن در رأی دادگاه هیچ ایرادی ندارد، زیرا رأی به موضوع متعلق است و نه به قانون.» [۷:۷۳۶] ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری اردن نیز تصریح می‌کند که: «ورود به منازل و تفتیش آنها جایز نیست مگر اینکه شخصی که هدف، ورود به منزل وی و بازرسی خود وی می‌باشد، مشکوک به آن باشد که مباشر جرم و یا شریک یا معاون آن است و یا اشیائی را دارد که به جرم مربوط است و یا شخصی را که از او شکایت شده، پنهان کرده است.»

۱-۳-۳. جمع آوری ادوات جرم

هدف از تفتیش، جست و جو و تحقیق در مورد متهم و یا ادوات مربوط به جرم و نیز وسایل و اموالی است که از جرم به دست آمده است تا به این ترتیب متهم دستگیر، آلات و ادوات جرم کشف و ضبط و مصادره شود تا اموال و وسایل به دست آمده از جرم به صاحبان اصلی آن بازگردانده شود.

۱-۳-۴. کشف حقیقت

قانون آیین دادرسی کیفری اردن همه اعمال لازم برای کشف مجرمین و بیان حقیقت را تنظیم کرده است تا احساس امنیت و اطمینان تمام افراد جامعه را در بر بگیرد. در ماده ۸۲ این قانون آمده است: «با مراعات حکمهای سابق، مدعی العموم می تواند به تحقیق در تمام مکانهایی بپردازد که احتمال وجود اشیا و اشخاصی در آن برود که کشف آنها، به بیان حقیقت کمک می کند» همچنین بند ۱ ماده ۸۶ بیان می کند: «مدعی العموم می تواند متهم و افراد دیگر را تفتیش کند به شرطی که امارات قوی نشان دهنده آن باشد که آنها اشیائی را که به سود کشف حقیقت است پنهان می دارند.»

کشف حقیقت با ضبط موادی محقق می شود که در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته و نه با اغراض و اهداف اداری و یا پیش گیرانه. [۱۵:۴۰۸] و اگر هدف از تفتیش، توهین به متهم و محدود کردن آزادی شخصی و هتک حرمت منزل وی باشد این مسئله تجاوزی آشکار به حقوق مورد حمایت قانون اساسی است. میزان فایده و سود مورد نظر از تفتیش به مرجع تحقیق بازمی گردد که وی تحقیقات رازیر نظر دادگاه مربوط انجام می دهد. [۸:۲۹۷] در یکی از آراء دیوان عالی آمده: «امر تشخیص درستی دلیل یا عدم درستی آن تنها به دادگاه مربوط باز می گردد و دیوان عالی کشور در مورد قانع شدن دادگاه هیچ کنترلی بر آن ندارد.» [۱۵:۴۶۰]

۲. مقامات مختص تفتیش و اختیارات آنها

کسی غیر از دادستان نمی تواند متصدی تفتیش - به عنوان مهم ترین اعمال تحقیق - شود. ضابطین دادگستری نمی توانند وظایف دادستان را به عهده بگیرند مگر در موارد استثنائی و به موجب نص صریح قانون. در ادامه به تشریح مقامات صالح برای تفتیش و قلمرو صلاحیت آنها می پردازیم.

۱-۲. مبحث اول: صلاحیتهای مقام تحقیق (دادستان)

در قانون آیین دادرسی کیفری اردن دادستان به تفتیش می پردازد چه در مورد منازل باشد و چه اشخاص، چه در مورد جرائم مشهود باشد و چه غیر مشهود، چه جنایت باشد، چه جنحه، چه فرد مورد نظر متهم باشد چه نباشد. البته تمام این موارد در صورتی قانونی است که اسباب تفتیش که قبلاً ذکر شد موجود باشد.

۱-۱-۲. صلاحیت دادستان در تفتیش اماکن

دادستان صالح در تفتیش اماکن است و در صورت وقوع جرم مشهود یا تقاضای صاحب خانه یا ایجاد شک و شبهه در مورد صاحب خانه یا داشتن نیابت می تواند اقدام به تفتیش کند.

ذیلاً به تفصیل این موارد می پردازیم.

۱-۱-۱-۲. جرم مشهود

قانون آیین دادرسی کیفری اردن جرم مشهود را در ماده ۲۸ این چنین تعریف می کند: «۱- جرم مشهود، جرمی است که در حین ارتکاب یا در پایان ارتکاب عمل مجرمانه مورد مشاهده قرار گیرد. ۲- و جرمهایی که مرتکبین آن به وسیله فریاد مردم در اثر وقوع آن دستگیر می شوند یا در هنگام دستگیر شدن با خود، اشیا یا اسلحه یا اوراقی حمل کنند که دال بر وقوع جرم از جانب آنها باشد، نیز جرم مشهود محسوب می شود، مشروط بر اینکه این مشاهده یا دستگیری در بیست و چهار ساعت بعد از وقوع جرم صورت پذیرد، یا در این بیست و چهار

ساعت آثار و علائمی یافت شود که دال بر وقوع جرم از جانب مرتکب آن باشد.» دادستان باید شخصاً به محل جرم (در حالت جرم مشهود) رفته، به تفتیش متهمین و منازل آنها و ضبط اشیا و مواد مربوط به ارتکاب جرم بپردازد و این همان چیزی است که ماده ۱/۲۹ به آن اشاره کرده است: «اگر جرم مشهود مستوجب کیفر جزائی باشد دادستان باید به سرعت خود را به محل جرم برساند» همچنین از تعریف ارائه شده در قانون آیین دادرسی کیفری اردن چنین بر می آید که قانونگذار اردن بر مشاهده جرم به چشم تأکید دارد در حالی که به نظر می رسد که جرم مشهود می تواند با تمام حواس انسان مانند شنوایی و بویایی ثابت شود. در یکی از آراء دیوان عالی آمده است: «اگر از حکم مورد نظر چنین بر آید که ضابط بوی مواد مخدر را از قهوه خانه متهم حس کرده و وارد آن شده و متهم روی خود را برگردانده و متوجه ضابط شود و بسته ای را بر زمین اندازد که روشن شود محتوی ماده مخدر است، حکم بر اساس آن (اگر از آن چنین بر آید که تفتیش به علت مشهود بودن جرم انجام شده) بر طبق قانون، عملی صحیح است.» [۷:۷۶۷]

۲-۱-۱-۲. تقاضای صاحب خانه

ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری اردن بیان می کند که: «هرگاه جنایت یا جنحه ای که واقع شده درون خانه بوده و مشهود نباشد و صاحب خانه از دادستان، انجام تحقیق در مورد آن را بخواهد، دادستان تحقیق را بر طبق اصول معین برای جرائم مشهود به عهده می گیرد.» از متن بالا چنین بر می آید که وقوع جرم چه جنایت باشد و چه جنحه اگر در درون خانه کسی بوده و مشهود نباشد و صاحب خانه از دادستان تقاضای تحقیق کند، وی باید تحقیق را انجام دهد. کلمه تحقیق اینجا شامل همه اعمال تحقیق ابتدائی و از جمله تفتیش که موضوع بحث این مقاله است. سؤالی که در این میان مطرح است آنکه آیا اجازه ورود

به منزل منوط به اجازه صاحب آن می باشد و یا اجازه یکی از ساکنین آن کفایت می کند؟

به نظر نگارنده درخواست از دادستان مبنی بر ورود به منزل از مالک مسکن و یا مستأجر آن و یا منتفع از آن مادام که تصرف او ثابت است می تواند اعلام شود. همچنین افراد خانواده (همسر و فرزندان) در حالت غیبت سرپرست خانواده و مالک منزل، صاحب آن منزل شمرده می شوند و اگر افراد خانواده از دادستان تقاضای تفتیش کنند، انجام آن با هر آنچه از عمل تفتیش ناشی می شود، برای دادستان قانونی است.

۲-۱-۱-۳. شک و شبهه در مورد صاحب خانه

ماده ۸۱ از قانون آیین دادرسی کیفری اردن بیان می دارد: «ورود به منازل و تفتیش آنها جایز نیست جز در موردی که درباره شخصی که خواهان ورود به منزل او هستیم، تردید حاصل شود که مباشر جرم و یا شریک و یا معاون آن باشد و یا اشیائی مربوط به جرم را در اختیار داشته باشد و یا متهم را مخفی کرده باشد.» بنابراین در صورتی که در حالتی زیر در مورد صاحب یا ساکن خانه شک حاصل شود دادستان تفتیش منازل و متعلقات آن را انجام می دهد ولو اینکه صاحب منزل اجازه آن را ندهد:

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

پرتال جامع علوم انسانی

– مباشر جرم باشد،

– شریک یا معاون جرم باشد؛

– اشیائی مربوط به جرم را در اختیار داشته باشد؛

– متهم را پنهان کرده باشد.

۲-۱-۱-۴. نیابت

ممکن است منزل و یا شخصی که مورد تفتیش قرار می گیرد خارج از قلمرو اختیارات دادستانی باشد که مأمور رسیدگی به جرمی است که آن جرم در حوزه

قلمرو اختیارات او انجام گرفته است. در این حالت وی می‌تواند به قاضی صلح و یا دادستان آن منطقه برای انجام تفتیش، نیابت بدهد. و این همان چیزی است که ماده ۱/۹۲ از قانون آیین دادرسی کیفری اردن آن را بیان می‌دارد.

۲-۱-۲. تفتیش اشخاص

در مواردی که از امارات قوی و دلایل کافی چنین برآید که شخص اشیائی را پنهان کرده که این اشیا در ارتباط با کشف حقیقت یا ارتکاب جرم باشد، دادستان می‌تواند او را تفتیش کند. این مسئله بر طبق ماده ۱/۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری اردن به شرح زیر بیان شده است: «دادستان می‌تواند متهم و نیز فرد دیگر را تفتیش کند در صورتی که بر طبق امارات قوی بر او ثابت شود که وی اشیائی را مخفی کرده که در کشف حقیقت مؤثر است.»

بنابراین تفتیش عملی است عام، که ممکن است در مورد هر کسی به کار رود و لو اینکه عامل جرم مجهول باشد. [۴۱۹: ۱۵] تنها، وجود دلایل و اماراتی که حاکی از این باشد که متهم و غیر او موادی را به همراه دارند که در ارتکاب جرم به کار رفته، اجازه تفتیش و ضبط آنچه در اختیار دارد را می‌دهد.

۲-۲. صلاحیت ضابطین دادگستری

قانون آیین دادرسی کیفری اردن به ضابطین دادگستری مذکور در ماده ۴۴ که شامل ژاندارمها و افراد پلیس و رؤسای پاسگاههای ژاندارمری و پلیس هستند، اجازه انجام تفتیش را می‌دهد. ماده ۴۴ بیان می‌کند: «در مراکز که دادستان نیست، بر افسران ژاندارمری و پلیس و رؤسای پاسگاههای ژاندارمری و پلیس است که اخبار مربوط به جرائمی که تحت حوزه انجام وظیفه آنهاست را به دست آورده، سریعاً دادستان را از جرائم مشهود مطلع سازند.»

در اینجا به حالاتی می‌پردازیم که در آن به ضابطین دادگستری اجازه انجام تفتیش داده شده است.

۲-۲-۱. صلاحیت ضابطین دادگستری در تفتیش اماکن

ضابطین دادگستری مذکور در ماده ۴۴ که شامل افسران ژاندارمری و پلیس و رؤسای پاسگاههای ژاندارمری و پلیس هستند، اجازه انجام تفتیش را در حالت جرم مشهود و یا تقاضای صاحب خانه، دارند. ماده ۴۶ از قانون آیین دادرسی کیفری اردن می‌گوید: «ضابطین دادگستری که در ماده ۴۴ ذکر شده‌اند، در حالت وقوع جرم مشهود و یا هرگاه که صاحب خانه از آنها تقاضا کند، ملزم به تنظیم ورقه ضبط و استماع اظهارات شهود و انجام تحقیقات و تفتیش منازل و سایر اعمال از این قبیل که معمولاً به عهده دادستان می‌باشد هستند و همه این تحقیقات را بر طبق نصوص و قواعدی که در فصل مربوط به اعمال و وظایف دادستان آمده انجام می‌دهند. در ادامه به توضیح این دو نکته می‌پردازیم.

۲-۲-۱-۱. جرائم مشهود

قانون آیین دادرسی کیفری اردن در حالت وقوع جرائم مشهود، به ضابطین دادگستری اجازه تفتیش اشخاص و منازل و ضبط اشیا و مواد مربوط به ارتکاب جرم را قبل از مفقود شدن و امحای آثار آنها می‌دهد. [۴۰۹: ۱۱] اما برای انجام تفتیش درون منزل، وجود حالتی از حالات جرم مشهود را شرط دانسته است. این حالات در ماده ۲۸ قانون مذکور این گونه بیان شده‌اند:

۱- مشاهده جرم در حین ارتکاب و یا در پایان ارتکاب آن

قانون‌گذار جزائی اردن شرط را بر این می‌گذارد که مشاهده، شخصی و از جانب ضابطین دادگستری باشد، تا انجام تفتیش، قانونی تلقی شود. مانند مشاهده جنایتکاری که خنجر را در سینه دیگری فرو برده و او را می‌کشد و یا مشاهده دزد در هنگام سرقت و یا مشاهده جرمی که انجام گرفته، لحظاتی پس از پایان جرم، مانند مشاهده جسم مقتول که در حال خونریزی است.

۲- فراری شدن شخصی در اثر فریاد مردم به خاطر وقوع جرم فرار جنایتکار پس از ارتکاب جرم و دنبال کردن مردم، با داد و فریاد، قرینه‌ای بر انجام جرم مشهود است، و به ضابطین دادگستری اجازه دستگیری و تفتیش وی را می‌دهد.

۳- مشاهده ادله جرم به همراه مرتکب و یا وجود آثار جرم نزد وی اگر در خلال ۲۴ ساعت پس از وقوع جرم آثار و علائمی مشاهده شود که دلالت بر ارتکاب جرم توسط شخص بنماید، مانند وجود صدمات یا جراحات یا آثار سوختگی و خون و یا وجود اسلحه یا مواد یا اوراقی نزد وی، ضابطین دادگستری به خاطر جرم مشهود است که مجاز به تفتیش این شخص می‌باشند.

۲-۲-۱-۲. بنا بر تقاضای صاحب خانه

ضابطین دادگستری در صورت وقوع جرم غیر مشهود در درون خانه و تقاضای صاحب خانه از آنها، مبنی بر تفتیش از آن ملزم به انجام آن هستند. کلمه «صاحب خانه» به مالک و مستأجر اطلاق می‌شود و نیز به اشخاصی که به صورت دائم در آن خانه سکونت دارند مانند همسر و فرزندان (ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی کیفری اردن).

۲-۲-۱-۳. نیابت داشتن از سوی مقام صلاحیت دار تفتیش

دادستان صلاحیت اصلی در اجرای همه اعمال تحقیق را دارد و می‌تواند به یکی از قضات صلح یا دادستان صالح محل یا ضابطین دادگستری محل برای اجرای هر عملی از اعمال تحقیق به استثنای بازپرسی، نیابت دهد. و این همان چیزی است که ماده ۱/۹۲ از قانون آیین دادرسی کیفری اردن به آن اشاره دارد. در این ماده آمده است: «دادستان می‌تواند به یکی از قضات صلح در منطقه خود یا دادستان دیگری برای انجام عملیات تحقیق در حوزه صلاحیت محلی قاضی نایب و نیز به یکی از ضابطین دادگستری برای هر عملی به جز بازپرسی از متهم، نیابت بدهد».

۲-۲-۲. صلاحیت ضابطین دادگستری در تفتیش اشخاص

می‌توان تفتیش افراد از سوی ضابطین دادگستری را در حالت‌های زیر توضیح داد:

۲-۲-۲-۱. حالت جرم مشهود

در هنگام وقوع جرم مشهود ضابطین دادگستری می‌توانند مرتکب آن را بر اساس حالت جرم مشهود یا به خاطر وجود دلایل و امارات قوی مبنی بر اینکه او چیزی را که مؤثر در کشف حقیقت است پنهان می‌دارد، تفتیش کنند. ماده ۴۶ از قانون آیین دادرسی کیفری اردن به صراحت بر اجازه و صلاحیت ضابطین دادگستری که در ماده ۴۴ همان قانون به آنها اشاره شده، به اندازه دادستان تأکید دارد (در حالت جرم مشهود و یا تقاضای صاحبخانه)، در ضمن باید توجه داشت که ضابطین دادگستری نمی‌توانند زنی را جز به وسیله زن دیگری تفتیش کنند. از آنچه گذشت روشن می‌شود که هرگاه بر اساس امارات قوی مواد مربوط به ارتکاب جرم مشهود نزد مرتکب جرم کشف شود ضابطین دادگستری می‌توانند به تفتیش وی بپردازند.

۲-۲-۲-۲. تفتیش مسکن یا مکان توأم با تفتیش اشخاص

در هنگام تفتیش منزل متهم، ضابطین دادگستری می‌توانند اشخاص موجود در منزل را در صورت وجود قرائن قوی مبنی بر داشتن مواد مورد تحقیق و ضبط، تفتیش کنند. ماده ۹۷ از قانون آیین دادرسی کیفری اردن می‌گوید: «هنگام تحقیق و تفتیش در یک مکان، هرگاه تردید حاصل شود که شخصی ماده‌ای ممنوعه یا وسیله ارتکاب جرمی را مخفی کرده است، می‌توان همان جا او را تفتیش کرد.»^۳

۳. در قانون آیین دادرسی کیفری مصر نیز متنی وجود دارد که در آن سخن از اجازه تفتیش شخص در اثنای تفتیش منزل از سوی ضابطین دادگستری می‌رود در مواقعی که قرائن مبنی بر این وجود داشته باشد که ساکنان منزل اشیائی را پنهان می‌کنند که قاعدتاً در کشف حقیقت مؤثر است. ماده ۴۹ از این قانون می‌گوید: «اگر هنگام تفتیش منزل متهم، قرائن قوی بر ضد متهم یا شخصی که آنجا وجود دارد، دلالت کند بر اینکه وی شیئی را پنهان می‌کند که در کشف حقیقت تأثیر دارد، مأمور ضابط قضائی حق تفتیش او را دارد.»

این مسئله بر تمامی افراد موجود در منزل در هنگام تفتیش صادق است، چه این شخص متهم باشد یا غیر او و چه ساکنین آن منزل باشند و چه مهمان.

۲-۲-۳. نیابت

ضابطین دادگستری می‌توانند با کسب نیابت از طرف دادستان به تفتیش افراد مذکور در دستور نیابت اقدام کنند که البته حق ندارند از حدود افراد ذکر شده فراتر روند مگر اینکه امارات و دلایل قوی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه شخص یا اشخاص دیگری موادی را در اختیار دارند که ضبط آنها خواسته شده است و یا موادی را دارا هستند که داشتن آنها جرم است مانند مواد مخدر و همه اینها را در حالت جرم مشهود انجام دهند.

۲-۳-۳. نیابت در تفتیش

در این مبحث به بررسی تعریف نیابت در تفتیش و شرایط صحت آن در قانون اردن می‌پردازیم:

۲-۳-۱. تعریف نیابت

نیابت، نمایندگی و تفویضی است که از مقام تحقیق (دادستان) به یکی از ضابطین دادگستری، که به وی اجازه انجام برخی از اعمال تحقیق و از جمله تفتیش را می‌دهد به استثنای بازپرسی، داده می‌شود. [۱۷۲: ۱۰]

دادستان دارای صلاحیت اصلی در انجام تحقیق در مورد جرائم واقع شده می‌باشد و این به دلیل تخصص و تسلطی است که او در اجرای قانون دارد، و همین امر از تضمینات یک تحقیق صحیح به شمار می‌رود، بنابراین ضروری است که نیابت به طور محدود و مضیق و فقط در حالات فوری و ضروری انجام گیرد. زیرا که کارهای دادستانی امری است تخصصی، و از طرف دیگر تضمیناتی که در تحقیقات دادستان وجود دارد، ضابطین دادگستری از آن بهره‌مند نیستند. [۴۳۸: ۱۱]

۲-۳-۲. شرایط صحت نیابت

۲-۳-۲-۱. دستور نیابت باید از طرف دادستان صلاحیت دار در امر و در محدوده اختیارات وی باشد

دستور نیابت، از طرف دادستان به ضابطین دادگستری برای تفتیش متهم یا خانه وی صادر می شود، که باید این دستور مختص به انجام اعمال بازرسی باشد و نیز وقوع جرم و یا محل اقامت شخص متهم در محدوده جغرافیایی اختیارات وی باشد، که حوزه صلاحیت دادستان با اقامتگاه متهم یا مکان دستگیری وی و یا آخرین اقامتگاه وی، مشخص می شود. این آن چیزی است که در ماده ۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده است، این ماده مقرر می دارد: «در حالتی که در مواد هفت تا سیزده از قانون مجازات آمده است، وظایف مذکور در ماده قبل را دادستانی انجام می دهد که اقامتگاه متهم یا محل دستگیری وی یا آخرین محل سکونت وی در حوزه آن واقع است».

۲-۳-۲-۲. نیابت باید به یکی از ضابطین دادگستری داده شود

لازم است که امر نیابت به یکی از ضابطین دادگستری که قانون در ماده ۴۴ به آنها اشاره دارد، داده شود و بنابراین نیابت هر شخصی با هر ویژگی اگر یکی از افراد مشخص شده در قانون نباشد، باطل است. بنابراین نیابت دادن به یکی از افراد پلیس که شرایط ضابط دادگستری را نداشته باشد، باطل است و نیز لازم است که نیابت به فردی از ضابطین دادگستری داده شود که در همان محل باشد و کار خود را در حوزه آن دادستانی انجام می دهد. [۱۱:۴۵۲]

۲-۳-۲-۳. اعطای نیابت باید کتبی، صریح و متضمن تمام مشخصات لازم باشد

برای درستی نیابت و آثاری که از تفتیش نیابی به دست می آید، لازم است اعطای نیابت مکتوب باشد و با عبارتهای صریح و آشکار، تصریح شده و انجام تفتیش

در آن آمده باشد، این به دلیل اهمیتی است که تفتیش از جهت تعرض به آزادی اشخاص و حرمت مساکن آنان دارد. [۱۱:۴۵۵] برای اینکه امر نیابت درست و بی هیچ گونه عیبی باشد باید شرایط و صفات خاصی را داشته باشد که می توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد: [۱۱:۴۵۶]

الف: اسم و مشخصات فردی که دستور نیابت را صادر کرده است؛

ب: اسم متهم و نشانی محل اقامت وی؛

ج: اتهام وارده به متهم؛

د: اعمالی که انجام آنها خواسته شده است؛

ه: تاریخ صدور دستور نیابت؛

و: مدت اعتبار نیابت؛

ز: مهر دادستانی؛

ح: زمان مشخص اجرای آن.

در یکی از آراء دیوان عالی کشور آمده است: «اجازه تفتیش عبارتست از عملی از اعمال تحقیق که لازم است کتبی باشد، و به همین خاطر از اوراق و مستندات دعوی به شمار می آید.» [۷:۷۴۶]

به رغم آنچه آمد ذکر اسم نیابت گیرنده به صراحت در قرار نیابت لازم نیست.

ذکر نکردن نام ضابط دادگستری که ورقه نیابت در اختیار وی است و کار خود را در حوزه اختیارات دادستان نیابت دهندۀ انجام می دهد، ایرادی در انجام آن و آثار ناشی از آن، وارد نمی کند.

در یکی از آراء دیوان عالی آمده است که: «عدم ذکر نام کسی که اجازه انجام نیابت در تفتیش را دارد، ضرری به مجوز صادر شده برای او نمی رساند.» [۷:۶۴۲]

در ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری اردن آمده است که در جایی که نام نیابت‌گیرنده در قرار نیابت ذکر نشده است انجام آن از سوی هر کدام از ضابطین دادگستری که مجاز به این کارند، صحیح می‌باشد و اگر نام نیابت‌گیرنده در قرار تفتیش ذکر شود، باید همان فرد آن کار را بر عهده بگیرد و نیابت دادن او به کسی دیگر مجاز نخواهد بود، ولی اگر در قرار نیابت اجازه نایب ساختن فرد دیگری از ضابطین دادگستری که مجاز به این کارند، آمده باشد، او اجازه این کار را خواهد داشت.

۲-۳-۴. باید ملتزم به رعایت حدود دستور نیابت باشد

دادستان باید مکان تفتیش و هدف از آن را در دستور نیابت ذکر کند. اگر در دستور نیابت تفتیش شخص یا منزل معینی به هدف ضبط ادوات که در ارتکاب جرم مورد استفاده واقع شده است، دستور داده شده باشد ضابط دادگستری باید به این امر مقید بوده و از حدود آن تجاوز نکند و اگر مثلاً سلاح مربوط به جرم ضبط شود و ضابط دادگستری به تفتیش برای ضبط اشیای دیگری که در دستور نیابت نیامده، ادامه دهد و این امر منجر به ضبط ماده مخدري شود که داشتن آن جایز نیست، ضبط آن فاقد ارزش قضائی خواهد بود. ولی اگر ضبط این مواد به صورت فرعی و در طول انجام عملیات تفتیش برای اسلحه باشد، ضبط آن با استدلال مشهود بودن جرم، جایز خواهد بود.

ولی ممکن است در تفتیش راجع به نام شخصی که در دستور نیابت، تفتیش او خواسته شده است اشتباهی رخ دهد که در این صورت آنچه انجام شده باطل نخواهد بود اگر مشخص شود که شخص همان کسی است که تفتیش وی خواسته شده است و خطا و اشتباه فقط در نام بوده و نه شخص. در یکی از آراء دیوان عالی کشور آمده است: «اشتباه در اسم کسی که تفتیش وی خواسته شده است، تفتیش را باطل نمی‌کند، به شرط آنکه روشن شود که شخصی که تفتیش

شده است در واقع همان کسی است که هدف تفتیش بوده و هرگاه دادگاه در اوراق خود نظر به صحت و درستی تفتیش داشته باشد و بیان کند که فرد مورد نظر همان است که این اعمال روی وی انجام گرفته است و در دستور تفتیش هدف او بوده است، دیگر ادعای عدم اعتبار حکم بی پایه خواهد بود.» [۷:۷۴۳]

اگر منازل متهم متعدد باشد و همه آنها در قرار نیابت ذکر شود و منزل واحدی مشخص نشود، تفتیش هر کدام از آنها جایز است زیرا قرار نیابت شامل همه آنها می شود، [۱۱:۴۴۰] همچنین است در صورتی که متهمین، متعدد باشند. اگر در قرار نیابت تفتیش منزل متهم مشخص شده باشد، این قرار شامل متعلقات متصل به این منزل و یادکنار آن (در صورتی که دیواری واحد آنها را به هم بچسباند) می شود و هرگاه تفتیش در مورد شخص متهم یا غیر از او باشد، متعلقات وی مثل بار و هر شیء منقول دیگر را نیز شامل می شود. [۱۱:۴۴۴]

اگر متهمان چند نفر باشند ولی قرار نیابت محدود به تفتیش یک نفر یا منزل یکی از متهمان شود، ضابط دادگستری اجازه تفتیش دیگر متهمین را ندارد ولو اینکه همه آنها در همان محله و منطقه باشند.

محدود کردن نیابت به تفتیش متهم بدون افراد همراه وی، اجازه تعدی از نیابت و تفتیش افراد ساکن همراه وی را از ضابط دادگستری می گیرد. [۱۱:۴۴۵]

۲-۳-۵. تاریخ صدور که قرار نیابت باید مسبق به تحقیقات باشد

ذکر تاریخ نیابت در قرار مسئله ای اساسی است، زیرا انجام عمل تفتیش تاریخی قبل یا بعد از ارتکاب جرم در مورد صحت عمل یا بطلان آن، با ملاحظه تاریخ آن، روشن می گردد.

قرار نیابت باید در تاریخی پس از وقوع جرم صادر گردد تا نشان دهنده درستی و جدیت اعمالی باشد که در کشف جرم انجام گرفته است. زیرا اعمال تفتیش رانمی توان جز پس از وقوع جنایت یا جنحه انجام داد و تفتیش در مورد جرمی که

واقع نشده - ولو اینکه در آینده احتمال وقوع آن برود - امری است باطل، لذا صدور قرار نیابت به یکی از ضابطین دادگستری برای تفتیش مسکن یکی از افراد به هدف ضبط اسلحه‌ای که در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار خواهد گرفت، امری است باطل و وسیله‌ای برای اثبات جرم شخصی به حساب نمی‌آید. ارزیابی صحت اعمال انجام شده و کفایت آن برای صدور قرار نیابت به ضابطین دادگستری جهت انجام تفتیش از موضوعاتی است که به اختیار مقام تحقیق و به نظر و کنترل دادگاه مربوطه، واگذار شده است که می‌تواند در مورد درستی یا عدم درستی نیابت در تفتیش و آنچه ضبط شده است اظهار نظر کند. [۱۱:۴۵۸]

در یکی از آراء دیوان عالی کشور آمده است که: «ارزیابی صحت اعمال انجام شده - چه به خود شخص مربوط شود و چه در منزل او به تنهایی صورت گرفته باشد - و کفایت آن جهت صادر کردن حکم نیابت در تفتیش از مسائل موضوعی است که اختیار آن به مقام تحقیق و به نظر دادگاه مربوطه واگذار گردیده است، چرا که هرگاه دادگاه به صحت استدلالهایی که تفتیش مبتنی بر آنست اقناع وجدانی پیدا نمود و نظر داسرا را نیز پذیرفت دیگر ایرادی بر آن وارد نخواهد بود زیرا مسئله مربوط به موضوع است و نه قانون» [۷:۷۳۶]

۲-۴. ضبط اشیای مربوط به جرم

اهمیت تفتیش و هدف آن در ثبت و ضبط دلایل مادی که در ارتکاب جرم به کار رفته و یا حاصل ارتکاب جرم است نمایان شد. برای اینکه ضبط اشیای مخالف با قانون نباشد باید شرایط ضبط اشیای با توجه به متن قانون و شرایط خاص عملیات ضبط فراهم شده باشد. [۱۲:۹۹ و ۱۰۱]

باید امارات و دلایل قوی وجود داشته باشد که وجود ادله مادی مانند اسلحه، کاغذ و آلاتی را که در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته، ثابت کند و اجرای عملیات ضبط به دادستان و یا نماینده او، مانند یکی از ضابطان دادگستری و یا

قاضی صلح و یا دادستانی دیگر و یا به مأمورین ضابط دادگستری در حالاتی که قانون به آنها اجازه اجرای تفتیش را - استثنائاً - داده باشد، محول شده باشد. ماده ۱/۳۲ از قانون آیین دادرسی کیفری اردن این چنین می‌گوید: «دادستان، اسلحه و هر آنچه به نظر می‌رسد در ارتکاب جرم به کار رفته و یا برای آن مهیا شده را ضبط می‌کند. همچنین هر آنچه از آثار جرم و سایر اشیائی که در راه کشف حقیقت به وی کمک می‌کند را باید ضبط کند».

می‌توان ضبط مواد مربوط به جرم را به نحو ذیل تقسیم کرد:

۲-۴-۱. ضبط اشیاء و مواد و اوراق مربوط به ارتکاب جرم

اگر امارات و دلایل کافی راجع به اشیای مربوط به ارتکاب جرم واقع شده، مانند اسلحه و دسته کلید و چوب، در منزل متهم و یا غیر او وجود داشته باشد، می‌توان از منزل تفتیش به عمل آورده و این مواد را در حضور مأمور تفتیش و متهم، یا وکیل وی یا کدخدای محل وی، یا دو تن از نزدیکان و خانواده وی، یا دو شاهد که مأمور تحقیق آنان را دعوت می‌کند، ضبط کرد که باید این مواد را قبل از ضبط در معرض دید متهم یا نماینده وی قرار دهند و سپس صورت مجلس آن را امضا نمایند که در صورت خودداری از امضا باید امتناع وی در صورت مجلس قید شود. ماده ۳/۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری تأکید بر این دارد. ولی اگر تحقیق و تفتیش جهت ضبط اوراق مربوط به جرم باشد، باید شرایطی را که قانون وضع کرده رعایت کرد:

۱. اطلاع بر اوراق قبل از ضبط آنها جز از سوی اشخاص محدودی که ماده

۳۶ و ۸۹ مشخص می‌کند، جایز نیست، این مطلب را ماده ۲/۳۴ قانون آیین

دادرسی کیفری اردن بدین شکل بیان می‌کند: «فقط دادستان و اشخاصی که در

ماده ۳۶ و ۸۹ مشخص شده اند حق دارند که از اوراق، قبل از ضبط آنها، آگاهی

پیدا کنند». این اشخاص عبارت‌اند از:

دادستان و یا نماینده وی (مأمور تفتیش)

متهم و غیر از او، هرگاه در اختیار آنان باشد.

۲. ضبط اوراق جز با حضور متهم و غیر از او در صورت متصرف بودن آن ممکن نیست و اگر حاضر نشود، عملیات در حضور وکیل وی، یا کدخدای محل، یا دو نفر از افراد خانواده وی، یا با حضور دو شاهد که مأمور تفتیش آنها را دعوت می‌کند انجام می‌شود که ضمن عرضه این اوراق به متهم یا نماینده وی، باید صورت مجلس را امضا نمایند. و در صورت امتناع، امتناع آنان نیز در صورت مجلس قید می‌گردد. ماده ۳/۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری اردن این گونه بیان می‌کند: «اشیای ضبط شده به متهم و یا برنایب او عرضه می‌شود تا صورت مجلس را امضا کند و اگر امتناع کند امتناع وی در صورت مجلس قید می‌شود».

دادستان می‌تواند تمام اشیاء و ادله مادی جرم را که به کشف حقیقت منجر می‌شود و در تصرف متهم قرار دارد، ضبط کند. این اشیاء می‌تواند در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته باشد، مانند اسلحه گرم و سرد، یا در نتیجه وقوع جرم ایجاد شده باشد مانند شمشهای طلا و یا پولهای سرقت شده. [۹۹: ۱۱۲]

قانون‌گذار اردن در جهت حمایت از حقوق دفاعی متهم گام برداشته، به همین خاطر اطلاع از نامه‌ها و مکاتبات انجام شده بین متهم وکیل وی، یا وکلایی که به حکم وظیفه نامه‌ها به دست آنها رسیده است را منع کرده و اطلاع از آنها را برای دادستان بدون اخذ اجازه و رضایت صاحبان آنها، جایز ندانسته است. ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری اردن به این مطلب اشاره دارد: «اثبات هیچ جرمی با استناد به نامه‌های متبادله بین متهم یا مظنون و یا مشتکی عنه وکیل وی جایز نیست.»

۲-۴-۲. ضبط مطبوعات و نامه‌ها و گفتارها و فاکسهای نزد دفاتر پست و مخابرات از حقوق اساسی انسان، حق مراسله پستی و گفتار و غیر آن از وسایل ارتباطی است که کارهای زندگی وی را به جریان می‌اندازد و این حق را قانون اساسی

اردن در ماده ۱۸ به این صورت بیان می‌کند: «همه مراسلات پستی و فاکسی و مکالمات تلفنی سری هستند و مراقبت یا توقیف آنها جز در حالت مشخص در قانون، جایز نیست». همان‌گونه که قانون آیین دادرسی کیفری اردن در ماده ۸۸ بر اهمیت این حق تأکید کرده است و می‌گوید: «دادستان می‌تواند در دفاتر پستی همه مکاتبات و نامه‌ها و روزنامه‌ها و مطبوعات و بسته‌های پستی و در دفاتر تلگرافات همه نامه‌های تلگرافی را ضبط کند، کما اینکه مجاز است مکالمات تلفنی را در جایی که فایده‌ای در کشف حقیقت داشته باشد، کنترل کند». واضح است که اطلاع از نامه‌ها و خطابها جز برای دادستان جایز نیست و این ضمانتی برای حفظ اسرار و عدم انتشار آنها است، زیرا اطلاع دیگران ممکن است به ضرر تحقیق و مانعی در راه کشف حقیقت باشد، این چیزی است که ماده ۳/۸۹ بر آن تأکید کرده، می‌گوید: «فقط دادستان از نامه‌ها و تلگرافهای در بسته که ضبط شده و در اختیار وی است می‌تواند آگاه شود، و نامه‌ها و تلگرافاتی که لازم می‌بیند، برای کشف حقیقت و یا نامه‌هایی را که در معرض عموم بودن آنها متضمن ضرر به تحقیق باشد نگه دارد و بقیه آنها را به متهم و یا اشخاصی که به آنها مربوط می‌شود، برگرداند.»

اگر از مطلع شدن متهم و دیگران از محتوای این اوراق ضرری متوجه تحقیقات نباشد می‌توان آنان را مطلع کرده و آنها را در حضورشان بررسی کرده و نظر آنان را در پرونده درج کرد. [۱۴:۲۳۸]

اوراق و نامه‌هایی که به کشف حقیقت کمک می‌کنند، نگهداری می‌شوند و سایر اوراق، چنان که نیازی به نگهداری آنها نباشد، به متهم و یا صاحبان آن اوراق، تحویل داده می‌شود. اشیائی که ضبط می‌شوند به مهر رسمی مهور می‌گردند و سپس آنها را در بسته‌های مناسب (مانند اسلحه‌ای که برای ارتکاب جرم به کار رفته و یا از وقوع جرم تحصیل شده است مانند اموال مسروقه) قرار

می دهند، این پلمپها را نمی توان شکست و بررسی این اوراق جز در حضور متهم و یا کسی که برای حضور در اجرای ثبت و ضبط دعوت شده و یا وکیل وی جایز نیست و اگر هنگام حضور به آنها ابلاغ شود و حاضر نشوند، باز کردن مهرها و بررسی این اوراق در غیاب آنها انجام می شود و این آن چیزی است که ماده ۲/۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری اردن بر آن تأکید دارد: «پلمپها باز نمی شود و اوراق پس از ضبط آنها بررسی نمی شود جز در حضور متهم و یا وکیل وی و یا در غیاب آنها اگر طبق اصول قانونی دعوت شده باشند، و نیز کسی که عملیات در حضور او باید انجام شود، دعوت می شود.»

۲-۴-۳. تصرف در اشیای ضبط شده

هنگام ضبط نامه ها و مکاتبات و تلگرافها تنها دادستان می تواند بدون حضور متهم و یا گیرنده آنها از آن اطلاع یابد و می تواند هر کدام از آنها را که در کشف حقیقت مؤثر باشد، نگه دارد و هر کدام از آنها که در کشف حقیقت لازم نیست به متهم و یا گیرنده اعاده نماید. مشروط بر اینکه اعاده آنها به تحقیقات ضروری نرساند.

همچنین بندهای ۳ و ۴ ماده ۸۹ بر این مطلب تأکید دارد که: «۳- فقط دادستان از نامه ها و تلگرافهای ضبط شده می تواند آگاه شود، و اوراق در بسته شده و نامه ها و تلگرافاتی که برای اظهار حقیقت لازم است و یا نامه هایی را که در معرض عموم بودن آنها متضمن ضرر به تحقیق باشد نگه دارد و بقیه آنها را به متهم و یا اشخاصی که به آنها مربوط می شود، برگرداند.»

۴- لازم است که اصل نامه ها و تلگرافهای ضبط شده، همه یا برخی از آنها یا تصویر آنها به متهم و یا اشخاص که باید به آنها برسد، در اولین فرصت تحویل داده شود، مگر اینکه در دسترس بودن اینها، به حال تحقیقات مضر باشد.»

وجوهات نقدی که ضبط می شوند و دادستان فایده ای در نگهداری آنها برای

کشف حقیقت و یا حفظ حقوق طرفین و یا حقوق دیگران نبیند، بعد از تنظیم صورت‌مجلس و امضای متهم (و اگر از امضا امتناع کند امتناع او در صورت‌مجلس قید می‌شود) می‌تواند آنها را به خزانه کشور واریز کند. این همان چیزی است که بند ماده ۵/۸۹ قانون آیین دادرسی کیفری اردن می‌گوید: «بر وجوه نقدی احکام قسمت دوم ماده ۳۵ حاکم است.» اشیائی که از طرف مقام مخصوص تحقیق ضبط شود و صاحبان آنها ظرف مدت سه سال از تاریخ اتمام دعوی آنها را مطالبه نکنند بدون نیاز به صدور حکم در خصوص آنها به مالکیت دولت در خواهند آمد. ماده ۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری اردن می‌گوید: «اشیای ضبط شده که صاحبان آنها ظرف مدت سه سال از تاریخ اتمام دعوی، آنها را مطالبه نکنند، بدون اینکه نیاز به صدور حکم خاص داشته باشد به مالکیت دولت در خواهند آمد.» سپری شدن این مدت بدون مطالبه آنها، به مثابه انصراف صاحبان اشیا، از آنها، به نفع دولت می‌باشد و اگر این اموال از جمله اموالی باشند که قابل تلف شدن و یا استهلاک در طول زمان هستند و نیز اشیایی که حفظ آنها خرج زیادی معادل قیمت آنها را دربرگیرد دادستان می‌تواند به دستور خود فروش آنها را از طریق مزایده علنی با رعایت مقتضیات تحقیق، اعلام نماید و سپس دستور لازم را از نظر حفظ آنها صادر نماید تا در صورت لزوم در تحقیقات مورد استفاده قرارگیرد که البته صاحب این اموال می‌تواند تا سه سال قیمت فروش آنها را تقاضا کند.

ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری اردن ناظر به همین است که مقرر می‌دارد: «اگر شیء ضبط شده چیزی باشد که در عرض سه سال تلف شود و یا حفظ آن مستلزم قیمتی معادل آن باشد دادستان می‌تواند، هرگاه مخالف مقتضیات تحقیق نباشد دستور فروش آن را در مزایده علنی صادر نماید و در این حالت صاحب حق می‌تواند در مدت مقرر در ماده قبل قیمت آن را بخواهد.» همچنین

باید اشاره کرد، اشیائی که ضبط می‌شوند هرگاه نگهداری و تصاحب آنها غیرقانونی باشد مانند مواد مخدر، باید گفت که این اشیاء عیناً مصادره می‌گردند ولو تحقیقات به صدور حکم منتهی نشده باشد. [۸:۳۰۶] و نیز «مصادره مواد مخدر ضبط شده قانوناً لازم است؛ مستند این امر ماده ۱۵ از قانون مواد مخدر و روان‌گردان می‌باشد». [۱۷:۱۴۴۴]^۴

قاضی می‌تواند در مورد اشیای ضبط شده و به خسارات ناشی از ضبط آنها به مقدار لازم، حکم بدهد. [۸:۳۰۶]

۲-۴-۴. مراقبت مکالمات تلفنی

مکالمات تلفنی بین افراد در جامعه، سری هستند و استماع آنها، یا استراق آنها جایز نمی‌باشد زیرا با اساسی‌ترین حق بشری و نیز با آزادی افراد در گفت‌وگو با دیگران به وسایل مختلف و راههای متفاوت بدون سانسور و مراقبت از طرف دیگران منافات دارد و این را ماده ۱۸ از قانون اساسی اردن بیان می‌کند:

«همه مراسلات پستی و تلگرافی و مکالمات تلفنی سری است و نباید در معرض مراقبت و توقیف باشند، جز در موارد قانونی».

در قانون آیین دادرسی کیفری اردن مرجعی که می‌تواند مکالمات را گوش بدهد و تلفنها را استماع کند، مشخص گردیده که همان دادستان است، و ماده ۸۸ بر آن تأکید کرده و می‌گوید: «دادستان می‌تواند در دفاتر پستی تمام مکاتبات و نامه‌ها و روزنامه‌ها و مطبوعات و بسته‌های پستی و در دفاتر تلگرافات تمام نامه‌های تلگرافی را ضبط کند کما اینکه مجاز است مکالمات تلفنی را هر جا که فایده‌ای در کشف حقیقت داشته باشد، کنترل کند». همه اینها مشروط به وقوع جرم و بودن فایده‌ای در استماع و شنود مکالمات تلفنی برای کشف حقیقت است که البته فقط باید دادستان این مراقبت را انجام دهد. اشکال و ایرادی که بر

قانون‌گذار اردن وارد است اینست که قانون مدت مراقبت تلفن را مشخص نکرده لذا لازم است احتیاط کافی در استفاده از این مکالمات به عنوان دلیل در امور جنائی در دادگاهها صورت گیرد. به خصوص با وجود تکنیکهای جدید در اجرای دوبلاژ و تقلید صدا و غیره که احتیاط بیشتری لازم است. ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی جزائی سوریه بیان می‌کند که: «قاضی تحقیق می‌تواند در دفاتر پستی همه مکاتبات و نامه‌ها و جراید و مطبوعات و در دفاتر تلگراف همه نامه‌های تلگرافی را کنترل و ضبط کند، همچنان که می‌تواند مکالمات تلفنی را در صورتی که برای کشف حقیقت مفید باشد، کنترل کند.»

اینجا ما بین متن قانون اردن و سوریه مطابقت می‌بینیم ولی قانون مصر برخلاف اینها قواعد و ضوابطی را برای مراقبت از مکالمات تلفنی به وجود آورده که خیلی صریح و دقیق است. ماده ۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصر می‌گوید: «قاضی تحقیق می‌تواند دستور ضبط تمام مکاتبات و نامه‌ها و جراید و مطبوعات و بسته‌های پستی در دفاتر پست و تمام تلگرافات در ۱۲۵ مرکز تلگراف را صادر نماید و نیز می‌تواند به مراقبت مکالمات تلفنی و غیر تلفنی و یا کار گذاشتن دستگاههای ضبط صوت در مکانهای مختلف امر نماید. مشروط به اینکه این دستور در کشف حقیقت در جنایت و یا جنحه دارای حبس بیش از سی روز مؤثر باشد و این مدت مانند مدت‌های مشابه قابل تجدید خواهد بود.»

می‌بینیم که قانون مصر مدت مراقبت مکالمات تلفنی را محدود کرده و در هنگام ضرورت آنها را قابل تجدید دانسته و امر به مراقبت، منحصر به ارتباطات تلفنی نبوده، بلکه تمام صورتهای ارتباط از طریق استماع آنها، چه به صورت مستقیم یا به واسطه ضبط آنها را در بر می‌گیرد.

در این نکته که آیا مراقبت مکالمات تلفنی تفتیش به حساب می‌آید یا نه اختلاف است. برخی می‌گویند که مکالمات تلفنی ضبط شده بر نوار، تفتیش

محسوب می‌شوند چرا که در یک شیء مادی صورت گرفته‌اند و نهایتاً ضبط آنها مانند نامه‌ها و مکاتبات به وسیله مراسله بین افراد ممکن است. [۴۵۹ و ۴۵۸: ۱۵] ولی برخی دیگر می‌گویند که مراقبت مکالمات تلفنی چه از طریق تلفن و چه از طریق دستگاههای مخصوص استراق سمع تفتیش به شمار نمی‌رود و لولاینکه بر روی یک نوار ضبط شده باشند. و بنابراین مراقبت مکالمات تلفنی شخصی تفتیش نیست که به نظر می‌رسد نظریه اخیر به صحت نزدیک‌تر است.

فهرست منابع

۱. جعفری لنگرودی (محمد جعفر)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸ ه.ش، جلد ۲.
۲. سیاح (احمد)، فرهنگ بزرگ جامع نوین (فرهنگ سیاح)، چاپ ۱۶، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۳ ه.ش، جلد ۲.
۳. عمید (حسن)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ ۱۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ ه.ش، جلد ۱.
۴. معلم (مرتضی)، فرهنگ جدید فارسی - فرانسه، چاپ ۵، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲ ه.ش، جلد ۱.
۵. معین (محمد)، فرهنگ فارسی معین، چاپ ۱۰، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵ ه.ش، جلد ۱.
۶. ابن منظور، لسان العرب، الطبعة الاولى، ۱۹۸۸ م، مجلد ۱.
۷. ابوشادی (احمد سمیر)، مجموعة المبادئ القانونية التي قررتها محكمة النقض المصرية، الجزء الثاني، القاهرة، بی تا.
۸. جوخدار (حسن)، شرح قانون اصول المحاکمات الجزائية الاردنی، دراسة المقارنة، الطبعة

الاولى، بي تا. مجلد ٢.

٩. حسب الله عبدالله (سعيد)، شرح قانون اصول المحاكمات الجزائية، بي تا.

١٠. الحسون (صالح عبد الزهرة)، احكام التفتيش و آثاره فى القانون العراقى: «دارسة مقارنه»، جزء ان الطبعة الاولى، بي تا.

١١. الحلبي (محمد على)، الوسيط فى شرح قانون اصول المحاكمات الجزائية، عمان، ١٩٩٦ م، مجلد ١.

١٢. الحلبي (محمد على)، الوسيط فى شرح قانون اصول المحاكمات الجزائية، مجلد ٢.

١٣. السعيد (كامل)، شرح الاحكام العامه فى قانون العقوبات الاردنى والقانون المقارن، الجزء الاول، الطبعة الثانيه عمان، بي تا، چاپ ٢.

١٤. صبحى نجم (محمد)، الوجيز فى اصول المحاكمات الجزائية الاردنى، الطبعة الاولى، عمان، ١٩٩١ م. چاپ ١.

١٥. الكيلانى (فاروق)، محاضرات فى قانون اصول المحاكمات الجزائية الاردنى والمقارن، الطبعة الثانيه، ١٩٨٥ م، الجزء الثانى، مجلد ٢.

١٦. المبادئ القانونيه لمحكمه التمييز الاردنيه، الجزء الاول من عام ١٩٥٣ م و لنهاية عام ١٩٨٢.

١٧. مجلة نقابه المحامين الاردنية، العددان ٥ و ٦.

18. Websters new twentieth century Dictionary of the english language.

شؤبہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ترجمه

○ قراردادی کردن حقوق کیفری: افسانه یا واقعیت؟

○ اهمیت کنونی حقوق عرفی در حقوق بین المللی بشر دوستانه



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی